



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در حدیث نبوی: «الخراج بالضمان» بود، این حدیث سنداً از طریق ما ثابت نشده بلکه مرسل است ولی اهل تسنن آن را نقل کرده اند، احتمالاتی در حدیث مذکور وجود دارد؛ اول اینکه ضمان به معنای اسم مصدر یعنی: **كُون الشَّيْءِ فِي الْعَهْدَةِ** باشد و این یعنی اینکه هرکسی که عینی به عهده اش تعلق می گیرد منافع آن عین نیز متعلق به او می باشد، اهل سنت من جمله أبوحنیفه ضمان را به همین وسعت معنی کرده اند. احتمال دوم معنای مصدری است که ابن حمزه فی الوسیلة آن را اختیار کرده و این یعنی اینکه کسی که ضامن شده و ضمانت و غرامت را به عهده گرفته منافع عین متعلق به اوست فلذا در عقد فاسد نیز منافع متعلق به مشتری است زیرا او اقدام کرده و غرامت عین را به عهده گرفته.

شیخ انصاری بعد از تفسیر کلام ابن حمزه ابتدا سعی کرده کلام ایشان را توجیه کند و آن را با روایاتمان تطبیق کند لذا فرموده روایات ما دلالت دارند بر اینکه: «**من كان عليه الغرم فله الغنم**»، هرکسی که غرامت مالی به عهده اش آمده منافع آن نیز متعلق به او می باشد چه عقد صحیح باشد که غرامتش به مسمی است و چه عقد فاسد باشد که غرامتش به عوض واقعی (در مثلی مثل و در قیمی قیمت) می باشد.

خوب و اما بنده عرض می کنم که ما نمی توانیم کلام ابن حمزه را قبول کنیم و بگوئیم که در عقد فاسد خراج و

منافع عین متعلق به مشتری است زیرا عقد فاسد است و مشتری مالک نیست، به عبارت دیگر ما براساس فقه صحیح خودمان قائلیم هرکس که مالک عین است باید منافع و نمائات عین نیز متعلق به او باشد فلذا اگر کسی بدون اذن مالک و صاحب عین از نمائات و منافع آن استفاده کند ضامن است و باید غرامت آنها را به صاحبش برگرداند.

علی ای حال در جواب کلام ابن حمزه عرض می کنیم که ما سه جور تصوّر در مورد کلمه ضمان داریم؛ اول اینکه ضمان به معنای اسم مصدر باشد که اهل تسنن به آن قائلند، دوم اینکه ضمان به معنای مصدری باشد که این یعنی ضامن شدن و غرامت را به عهده گرفتن که این خود دو صورت دارد؛ اول در عقد صحیح که ضمانت را به عهده گرفته و شارع نیز آن را تصویب کرده و صورت دوم در عقد فاسد است که فرض بر این است که شارع آن را تصویب نکرده که خوب این صورت دوم میزان است، بنابراین الخراج بالضمان یعنی اینکه خراج و منافع در مقابل آن ضمانی است که شخص به عهده گرفته (و عقد هم علیه) و أمضاه الشارع که این منتهی به عقد صحیح می شود و در عقد فاسد خراج متعلق به کسی که مطلقاً اقدام کرده (مشتری) نیست بلکه خراج مال کسی است که اقدام کند و شارع نیز آن را تصویب کند که این فقط در همان عقد صحیح متصور است و روایتی که جلسه قبل از سنن بیهقی خواندیم مربوط به جایی است که پیغمبر(ص) عقد را تصویب کرده و بر آن صحت گذاشته بنابراین روایت مذکور مربوط به موردی است که شخص ضمان را به عهده گرفته و

شارع نیز آن را تصویب کرده که خوب ما نیز همین را می‌گوئیم و حدیث را همین طور معنی می‌کنیم، خلاصه اینکه ما نمی‌توانیم بعد از ضعف سند به حدیثی که سه احتمال در آن است اعتماد کنیم بعلاوه ما دلیل محکم و قاعده کلیه ای داریم که می‌گوید منافع نیز جزء اموال است و هر کسی که مالک عین است منافعش نیز متعلق به اوست که البته این فقط در عقد صحیح حاصل می‌شود زیرا در عقد صحیح نقل و انتقال و ملکیت وجود دارد و أمضاه الشارع، لذا منافع نیز متعلق به مالک عین می‌باشد بنابراین ما کلام ابن حمزه را قبول نداریم، این مربوط به فقه بود که به عرضتان رسید.

خوب و اما امروز لازم است که به سه مطلب اشاره کنیم؛ اولاً میلاد پر خیر و برکت حضرت امیر(ع) را پیشاپیش تبریک عرض می‌کنیم ثانیاً یاد و خاطره ۱۵ خرداد که حضرت امام(ره) عنایت و توجه ویژه ای به آن داشتند را گرامی می‌داریم و ثالثاً سالگرد ارتحال جانگداز حضرت امام خمینی(ره) که در ۱۴ خرداد رخ داد را پیشاپیش تسلیت عرض می‌کنیم. خداوند یار و یاور و نگهدار شما باشد ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

(پایان سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱ التماس دعا)